معماري گروه آينده‌نگاران و آفرينش‌باوران قم

آرزوي برخي از بزرگان و انديشمندان كه روزي بتوان بر پايه مباني ديني و اصول اعتقادي به صورت علمي به آينده نظر انداخت و با پيش‌بيني حوادث و رويدادها، آن‌ها را به نفع مطلوبيت‌هاي ايماني تغيير داد. بتوان نظام علمي مشهود را بر محور نيروهاي ماورايي يا همان مبتني بر غيب تبويب و تنظيم نمود، به گونه‌اي كه مسير حركت جامعه بر صراط مستقيم استوار گردد، نه مغضوب باشد و نه بر گمراهي. هدف اين نوشتار همين، تا در سايه حوزه علميه قم، در اين شهر مقدّس، گروهي همراه برانگيزد براي دستيابي به اين مقصد.

# نياز و ضرورت

## ضرورت آينده‌نگري

اگر راننده اتوبوسي با چهل نفر مسافر بداند تا سه ثانيه ديگر خودرويي از چراغ قرمز با سرعتي زياد گذر خواهد كرد، پشت چراغ سبز مي‌ايستد و جان چهل و دو نفر را نجات مي‌دهد؛ چهل مسافر، خود و حتي راننده خودروي متخلّف. درك ضرورت اطلاع از آينده و پيش‌بيني آن به همين سادگي‌ست و نياز به بحث‌هاي مُفصّل ندارد.

## قدرت آينده‌نگاري

اما ديگران كه اين نگرش و بينش را ندارند و آن‌چه او ديده نمي‌بينند. آن‌ها از چراغ سبز عبور مي‌كنند و تصادف در هر صورت رخ خواهد داد. او اگر بتواند آينده را تغيير دهد، مثلاً با توقفي نامتعارف و اُريب در سر چهارراه، مانع عبور ساير خودروها شود، شايد ابتدا برخي سر و صدا كنند و ناراحت، اما وقتي تخلّف عبور از چراغ قرمز با آن سرعت را مشاهده كردند، خدا را از اين بابت شاكر خواهند بود.

## آينده‌نگاري علمي

اين‌بار فردي متخصص بيايد و ريشه‌هاي چنين رفتارهاي جنون‌آميزي را تحليل نمايد. تمام آينده‌هاي خطرناك شهر را پيش‌بيني، تمام چهارراه و چراغ قرمزها را. برنامه‌اي آموزشي تأسيس، تغييراتي در هندسه چهارراه‌ها، اقداماتي اصلاحي. او از بنيان و اساس صدها تصادف را رفع و رجوع مي‌كند. زيرا آينده را بسيار پيش‌تر و دقيق‌تر ديده است.

# مباني راهبردي

## چشم‌انداز گروه

ما مي‌توانيم اگر متخصص در آينده‌نگاري نيستيم، اما آينده‌پژوهاني را پيدا كرده و به كار بگيريم، تا با اتكا به باورهاي ايماني، به صورت علمي و دقيق به آينده نظر افكنند و بر اساس احتمال وقوع پديده‌ها، بهترين سناريوها را براي ايجاد تغيير مطلوب پيشنهاد نمايند. بدون اين‌كه در چارچوب علوم ماترياليستي اسير شده و تمام اسباب و مسبّبات و علل و عوامل پديده‌ها را مادي تحليل كنند. ما اين توانايي را خواهيم داشت، به حول و قوّه الهي.

## اصول راهبردي

1. ساختار تشكيلاتي مُفصّل نمي‌خواهيم. تا اسير نظام اداري نشده، بودجه‌ها هرز نرود و از سرعت و شتاب حركت‌مان نكاهد. مي‌خواهيم سازمان‌مان را چابك و چالاك طراحي كنيم.
2. مديران فراوان خوب نيست. به ديگر نهادها كه مي‌نگريم، بيشتر مدير مي‌بينيم تا كارگزار و كارمند. او كه كار گِل مي‌كند اندك است و تمام چارت سازماني پر شده از مديران ادارات و دفاتر و واحدها و مديران كل!
3. برون‌سپاري محور پژوهش‌هاي ماست. به جاي جذب نيروي انساني و استخدام، تعداد پرسنل را اندك نگه داشته و هر جا نياز بود، تبديل به پروژه و قرارداد شده و واگذر مي‌گردد به نيروهاي آزاد.
4. به تعارض منافع توجه مي‌كنيم و اجازه نمي‌دهيم فريب بخوريم. اگر پروژه‌ها بيافتد دست همكاران خودمان، پرسنل از كار داخلي باز مانده و تلاش مي‌كنند پروژه كنند و خودشان را برون‌سپاري نمايند!
5. مي‌خواهيم راندمان در بالاترين حدّ ممكن باشد. پس نظارت و ارزيابي بايد دقيق، كنترل دائم و جريمه‌ها و مجازات‌ها شديد، به نحوي كه اطمينان حاصل نماييم رفاقت و صداقت‌هاي بينابين مانع بهره‌وري نمي‌گردد. اين بشود محور مكالمات‌مان: «من اگر چه با تو دوستم، ولي قبل از دوستي با تو به خدا تعهّد داده‌ام، پس به جهت تخلّف، تو را جريمه خواهم كرد، به نحوي كه خدا راضي شود، مطمئنم كه تو هم به رضايت خدا راضي خواهي شد!»

# معماري گروه

سه كار مهم داريم تا انجام دهيم؛ مسائل اساسي نظام اسلامي را پيدا كرده، گذشته را با اين نگاه بكاويم، الگوها را پيدا كنيم و بر اساس آن‌ها آينده را پيش‌بيني، برنامه‌ريزي كنيم. همه اين‌ها نياز به مكان و زمان و بودجه و امنيت و ارزيابي و نظارت دارد، پس يكي ديگر از كارها هم اداره اين امور خواهد بود. براي برون‌سپاري هم بايد بهترين‌ها را پيدا كنيم و بشناسيم.

## مسئله‌شناس

او فردي‌ست كه مشكلات جامعه را بر مي‌رسد. مدام حوادث را پيگيري كرده و طبقه‌بندي مي‌كند. روابط آن‌ها را ملاحظه مي‌نمايد، تا مهم‌ترين چالش‌ها را پيدا كند. مسئله‌شناس نظامي از مسائل اجتماعي داخلي و بين‌المللي و جهاني را تنظيم مي‌كند. اين نظام مسائل پيوسته به روز مي‌شود و با جديدترين اتفاقات همساز.

او تنها يك نفر است، ولي هر جا نياز به كمك داشت، مثلاً براي شناخت مسائل جهاني با استفاده از منابع خارجي، پروژه تعريف كرده و برون‌سپاري مي‌نمايد.

## گذشته‌پژوه

او نيز يك نفر است كه مدام سر در تاريخ دارد. بيشتر تاريخ معاصر هم. نه منحصر در تاريخ كشور خودمان، بلكه تمام مناطق جهان. نقطه به نقطه حوادث را شناسايي نموده و روابط و پيوستار زماني آن‌ها را پيدا مي‌كند، بلكه به روابط سببي آن‌ها دست يابد. او الگوهايي را كشف خواهد كرد كه مي‌تواند براي پيش‌بيني آينده به كار رود.

محور مطالعات گذشته‌پژوه بايد نظام مسائلي باشد كه مسئله‌شناس ارائه كرده است. ما كه تمام روابط سببي را نه لازم داريم و نه مي‌توانيم بشناسيم. مهم‌ترين همان‌هايي هستند كه براي حل مسائل مبتلي‌به عصر ما لازمند.

## آينده‌نگار

اين مهم‌ترين محور فعاليت‌هاي گروه ماست و خودش چند كار مختف دارد. هم نياز به الگوهايي دارد كه گذشته‌پژوه كشف كرده، هم نظام مسائلي كه مسئله‌شناس ارائه. اما اين كافي نيست. او به حجم زيادي از ايده‌ها نياز دارد كه رها و آزاد بيان شوند، بي‌توجه به امكان يا عدم امكان تحقق‌شان. او به نگرش‌ها و مباني ديني نياز دارد، تا مطلوبيت‌ها و راهكارها را در عمق اين مباني ببيند. در نهايت بايد قادر به «هم‌بندي» باشد. اين‌كه ايده‌هاي گزينش‌شده را تا متن منابع ديني ببرد و از درون آن‌ها آينده را ترسيم كرده و راهكار دستيابي به آن‌ها را تشريح كند.

او نيز اگر چه تنهاست، ولي به دنيايي از روحانيون و طلاب علوم ديني دسترسي دارد. مي‌تواند تك‌تك مسئله‌ها و الگوها و دين‌پژوهي‌ها را برون‌سپاري كند. حتي پروژه‌هايي كه همه را با هم جمع كرده و به خروجي مطلوب برساند: يعني دستورات آينده‌نگارانه.

## منبع‌ياب

در مدل‌سازي غربي به تمام منابعي كه سازمان نياز دارد Resource گويند. منابع مي‌تواند هر كدام از اين موارد باشد:

1. نيروهاي انساني مورد نياز براي برون‌سپاري پروژه‌ها
2. كتاب، مقاله، جزوه، نمودار، نقشه و هر نوشته و مكتوبي كه نياز گروه باشد
3. ايده‌هاي فراواني كه در رسانه‌ها منتشر يا در دل‌ها نهان داشته شده
4. نرم‌افزارهاي تسهيل‌كننده فعاليت‌ها
5. مشترياني بالقوّه براي پروژه‌ها كه بتوانند در تأمين بودجه مفيد باشند

اگر چه شايد گروه در تأمين بودجه به نهادهاي بالادستي خود متكي باشد، ولي مي‌تواند بعضي پروژه‌ها را طوري تعريف كند كه مشتري داشته باشند؛ مثلاً پروژه‌هاي تاريخ‌پژوهي.

در نهايت، منبع‌ياب يك نفر است كه تمامي نيازهاي فوق را بايد پيدا و معرفي كند. او بايد تمام قشرهاي حوزوي را بشناسد، تخصّص‌ها را بداند، ويژگي‌ها را، در هر قدم از فعاليت‌ها بتواند بهترين‌ها را تماس بگيرد و حاضر به همكاري سازد. گويي كه روابط عمومي گروه هم دست اوست. مصاحبه كند و ايده‌ها را بيرون بكشد.

## حسابرس و هماهنگ‌كننده

يكي از همكاران گروه فردي‌ست كه به حساب همه مي‌رسد، رسيدگي مي‌كند يعني. از تمامي منابع مالي و امكانات و تجهيزات و نيروهاي انساني همكار و پروژه‌هاي برون‌سپاري شده آگاه است و همه را ثبت و ضبط مي‌كند. هر انحراف بودجه‌اي را به شدّت برخورد كرده و گزارش مي‌نمايد. حق امضا دارد و پرداخت‌ها را اداره مي‌كند.

اما امور مالي آن‌قدر گسترده نيست كه تمام وقت يك نفر را بگيرد. تمامي امور اداري نيز بر عهده اوست. خريدها، تأمين‌ها، اداره فضا و مكان فعاليت. حتي مسئله امنيت و حراست و حفاظت نيز از وظايفي‌ست كه بر عهده دارد. ورود و خروج‌ها، غيبت‌ها و تأخيرها، جلسات و رويدادها. همه قراردادها را تنظيم مي‌كند و پيگيري مي‌نمايد. ديگران به چنين نقشي Coordinator گويند.

# ضوابط و قوانين كليدي

1. تمامي اعضاي گروه از نظر رتبه سازماني برابر هستند و تفاوت‌ها فقط به جهت اختلاف در وظايف و مسئوليت‌هاست.
2. اين يك كار گروهي و تيمي است و هيچ مدير مستقيمي وجود ندارد. همه كارمند هستند و با هم كار مي‌كنند.
3. تصميمات عمومي را با هم و در فضايي مشاركتي مي‌گيرند، بدون نياز به دموكراسي، بلكه با گفتگو و همراهي.
4. فردي كه امور مالي و اداري را بر عهده دارد؛ حسابرس، فعاليت‌هاي ديگر اعضاي گروه را مانند يك برج مراقبت فرودگاهي هماهنگ مي‌كند. كار او شبيه به مدير داخلي در ساير سازمان‌هاست.
5. آينده‌نگار از جهت وظايفي كه بر عهده دارد نماينده گروه در تمامي جلسات بالادستي‌ست. او چون محصول نهايي را بيرون مي‌دهد و مكلّف به توليد خروجي كل گروه، دستاورد تمام فعاليت‌ها را جمع كرده و تنظيم مي‌كند. اين ارتباط سبب مي‌شود فعاليت‌هاي پژوهشي را هدايت و هدفگذاري نمايد.
6. اصل بر اين است كه تمام كارها توسط خود اعضاي گروه انجام مي‌شود و نيازي به كارمند و دستيار و منشي و همكار نيست. اما اگر نيازي هم پيدا شد، قرارداد نوشته شده و با تعريف پروژه برون‌سپاري خواهد شد.
7. در پروژه‌ها وظيفه نظارت و ارزيابي به كارشناسي بيروني واگذار مي‌شود، ولي مسئول نهايي هر پروژه خود همان عضوي از گروه است كه پروژه را تعريف نموده است.
8. براي بهره‌مند شدن از نظريه دانش سازماني، هر سند، مطلب، ايده، فعاليت، گزارش، مصاحبه و خلاصه هر مطلبي كه به گروه وارد شده، يا در گروه پردازش شده، يا محصول گروه بوده، در نرم‌افزاري به عنوان بانك اَسناد به دقّت ثبت و نگهداري مي‌گردد. منبع‌ياب مسئول بانك اَسناد است و حسابرس مسئول امنيت و حفاظت از اين بانك.
9. به جهت اهميّت استراتژيك و راهبردي «اطلاع از آينده»، تمامي فعاليت‌هاي گروه به صورت پيش‌فرض «محرمانه» تلقّي مي‌گردد. حفاظت اطلاعات يكي از وظايف حسابرس است.
10. محرمانگي اقتضا مي‌كند تا استفاده از شبكه‌هاي آزاد اطلاعات، مانند: اينترنت و تلفن همراه، در داخل فضاي فعاليت گروه و جلسات محدود و تحت نظر حسابرس باشد. همچنين تجهيزات ضبط صدا و تصوير.
11. تعارض منافع مطلب مهمي‌ست. از اين رو، هيچ‌كدام از اعضاي گروه مجاز نيستند طرف پروژه قرار بگيرند و يا در پروژه‌اي كه برون‌سپاري شده فعاليتي انجام داده و نقشي داشته باشند.
12. اگر روشن شد فردي از گروه مبلغي از پروژه دريافت كرده، يا نقشي در اجراي پروژه‌اي داشته، يا اطلاعاتي را از غير مسير قانوني در اختيار پروژه قرار داده، از گروه اخراج شده و موظّف است به عنوان جريمه، نيمي از يك‌سال حقوقي را كه از گروه دريافت كرده به صورت قسطي بازپرداخت نمايد؛ يعني به همان ترتيبي كه دريافت كرده، هر ماه نيمي از حقوق آن ماه را!
13. اعضاي گروه با هم دوست، رفيق و مهربان هستند. اما در عرصه وظايف و تكاليف هر مسامحه و كوتاهي جرم محسوب مي‌شود و به جهت اولويّت «رضايت خدا» بر «رضايت همكار» با شدّت و غضب مواجه خواهد بود. ساير اعضاي گروه هم‌پيمان شده و با عضو خاطي برخورد خواهند كرد.
14. تمام اين ضوابط و قوانين در آغاز همكاري به اطلاع رسيده و هر كدام از اعضاي گروه ضمن تعهّد شفاهي، به صورت كتبي نيز متعهد مي‌شوند، تا در صورت نياز بتوان به صورت قانوني هم پيگيري كرد.

نُفوّض أمرنا إلي الله، إنّ الله بصيرٌ بالعباد

تمّت: 8 شوّال 1445 هـ ق - قم المقدّسة